

# دو نکته از لایحه بودجه

امیرفیض- حقوقدان

اظهارنظر نسبت به لایحه بودجه که دولت شیخ حسن به مجلس ارائه داده است قاعدتا در صلاحیت نمایندگان مجلس است؛ زیرا دسترسی آنها به اسناد پیوست لایحه ممکن است نه امثال بنده.

از آنجا که اینجانب در رشته (حسابداری عالی و ممیزی حساب) تحصیلاتی دارم و مدتی هم بجای دکتر حسین پیرنیا استاد رشته حسابداری تدریس میکرده ام شاید واجد این صلاحیت باشم که نسبت به لایحه مزبور اظهار نظر کلی شود.<sup>۱</sup>

## نکته اول سرفصل رقم واریز نشده به خزانه

در قسمت درآمد بودجه ارقامی ملاحظه میشود که با عنوان «رقم واریز نشده به خزانه» معرفی شده است.

عنوان مزبور ابهام آور است و برای امثال بنده که قدری با سرفصل های بودجه و ترازنامه آشنایی دارند غیر قابل قبول شناخته میشود.

ممکنست تصور شود که مقصود از سرفصل مزبور وجوهی است که دولت طلبکار است و هنوز سررسید آن نشده است؛ این تصور کاملاً باطل است زیرا طلب دولت بهر صورت که باشد تحت عنوان مطالبات دولت که به کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم میشود در ستون درآمد ذکر میشود و حتی برای مطالبات لاوصول و یا مشکوک الوصول هم حساب جداگانه ای پیش بینی شده است.<sup>۲</sup>

اساساً عنوان «رقم واریز نشده به خزانه» قابل هضم و درک نیست زیرا برای واریز درآمد دولت به خزانه نیاز به اقدامات و یا حمل اسکناس و امثال آنها نیست در همان بانکی که عوائد دولت وصول میشود بایک امضا به خزانه کشور که در همان بانک شماره حساب دارد واریز میگردد؛ و هیچ بهانه ای از قبیل سردی و یخبندان خیابان ها و یا نا امن بودن انتقال پول و امثال آنها نیست و اکنون با استفاده از سیستم اینترنتی اصلاً مراجعه به بانک هم لازم نمیشود.

وقتی با این سرفصل در لایحه بودجه آشنا شدم فکر کردم که شاید این یک رویه محاسباتی باشد که بنده آگاه نیستم، و تحولات و تکامل محاسباتی لازمه پدید آمدن این سرفصل محاسباتی جدید شده است، ناچار به لایحه و تفریغ بودجه سال ۹۵ رجوع کردم و دیدم که در آن سالها هم از این عنوان پوچ محاسباتی استفاده شده و سروصدای اعتراض آمیز اهل بودجه را در آورده و کاشف بعمل آمد که مقصود از «وجوه واریز نشده» به خزانه وجوهی است که گیرنده پول بجای آنکه دریافتی خود را به خزانه بریزد به حساب دیگری که زیر کلید خود او است میریزد و تا هر وقت که میتواند از بهره

<sup>۱</sup> - کسانی که به جاوید ایران ایراد دارند چرا جناب امیرفیض را «استاد» میخوانم پاسخ خودشان را دریافت کردند.

ح-ک

<sup>۲</sup> - این امر در نگاهداری حساب های یک شرکت کوچک و معمولی هم مرسوم است و بدون آن نمیشود ترازنامه را

تنظیم کرد. ح-ک

واعتبار آن رقم که مسلماً رقم بزرگی است استفاده میکند وهرزمان که موضوع رسیدگی و احتمال گرفتاری پیش آید و یا دستگاه تفریح بودجه متوجه آن گردد اگر طرف نخواهد که به کانادا و آلمان فرارکند، آن پول رابه خزانه واریز میکند.

### سنگر قانونی عمل آنها چیست؟

در اصل ۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

> کلیه در آمد های دولت در حساب خزانه داری کل متمرکز میشود و همه پرداختها در حدود اختیارات مصوبه بموجب قانون انجام میگردد.

ملاحظه میفرمائید که در اصل ۵۴ نه قید فوریت شده و نه قائل به زمان و در مفهوم اگر متصدی واریز پول دولت به حساب خزانه کوتاهی! کند و آنرا به حساب خود ویا دیگری موقتاً واریز نماید ظاهراً ممکن است یک تخلف اداری محسوب شود؛ نه قانون شکنی، آنهم قانون اساسی (نوع برجسته این موضوع، شایعه داشتن حسابجاری های متفاوت بنام لاریجانی رئیس قوه قضائیه است که ادعا شده بهره پولهای متعلق به دادگستری را شخصاً دریافت میکند و هر وقت که لازم دید اصل پول رابه حساب وزارت دادگستری واریز مینماید)؛ (امکان تفحص و تحقیق در این شایعه برای من ممکن نبوده). (گرفته شده از خبرگزاری ها)

این ضعف در قانون و منافع بزرگی که در این کار منظور است و به همان سرفصل بودجه یعنی ارقام واریز نشده وصل میگردد، سبب شده که این عمل در تمام بودجه های سنواتی جمهوری اسلامی دیده شود از باب نمونه به گزارش بودجه سال ۱۳۸۵ یعنی ۱۰ سال قبل نگاه میکنیم.

### وجوه واریز نشده به خزانه در سال ۸۵

> بهنگام قرانت بودجه سال ۱۳۸۵ سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هنگام قرانت گزارش اعلام کرد که یک میلیارد و ۵۸ میلیون دلار از سود دولت به حساب خزانه وارد نشده است. پس کجا واریز شده؟ روی هوا که نمیتواند باشد؟ عبارت (واریز نشده) به معنای آنست که مبلغ مزبور وصول ولی هنوز به خزانه واریز نشده است.

### وجوه واریز نشده به خزانه در سال ۹۵

حرنیس دیوان محاسبات مجلس، که پیشتر در دولت احمدی نژاد و نیز در دولت یازدهم ریاست مرکز آمار ایران را برعهده داشت، گزارشی در مورد تفریح بودجه سال ۹۵ به مجلس ارایه داد که در آن ارقام عجیبی به عنوان تخلف دولت از قانون بودجه ارایه شده بود. ارقامی که بیان آن از سوی رئیس دیوان محاسبات، تعجب بسیاری از آگاهان و کارشناسان اقتصادی و بودجه ریزی را برانگیخت؛ در گزارش دیوان محاسبات آمده است که **۱۶ هزار میلیارد تومان** از درآمد های ناشی از فروش گاز و همچنین تحویل خوراک به شرکت های پتروشیمی در سال ۹۵ به خزانه واریز نشده است.

در همان مذاکرات آمده است که مجلسیان گفته اند آقای عادل آذر دیوان محاسبات باید توضیح دهد که اگر رقمی که به خزانه تحویل نشده این مبلغ در کجایه شده و دست چه کسی میباشد.

اظهارات مجلسیان نشان میدهد که آنها دقیقاً آگاهند که مفهوم واریز نشدن به حساب چیست که از آقای عادل آذر خواسته اند توضیح دهد که مبالغ واریز نشده به حساب، در کجاست وزیر کلید چه اشخاصی است.

>بررسی گزارش مجلس نشان میدهد که سرنوشت برخی مبالغ در سال ۹۵ نامشخص است؛ از جمله میتوان به ۷ میلیون بشکه نفت اشاره کرد. براساس آنچه از جداول و جزئیات این گزارش دیوان محاسبات، در حوزه نفت برمیآید ۱،۴۱۸ میلیون بشکه نفت در سال ۹۵ تولید شد که از این میزان ۷۶۵ بشکه صادرات و ۶۰۹ بشکه در داخله کشور بفروش رفته است و همچنین نشان میدهد که تا پایان سال ۹۵ معادل ۳۷ میلیون بشکه نفت موجود بوده است، ولی از ۷ میلیون بشکه نفت در پایان سال ۹۵ خبری نیست و دیوان محاسبات در گزارش خود به این موضوع اشاره ای نکرده است.

(مذاکرات مجلس اسلامی)

\*\*\* براساس گزارش تفریغ بودجه سال ۹۵ منابع دیگری وجود دارد که سرنوشت آنها معلوم نیست؛ یعنی منابعی که به خزانه واریز نشده است.

۱- یازده هزار و ۴۷۹ میلیارد تومان بابت فروش گاز داخلی از منابع طبیعی که تاکنون به حساب خزانه وارد نشده است.

۲- مبلغ چهار هزار و ۴۷۹ میلیارد تومان به حساب صندوق توسعه ملی واریز نشده است.

۳- سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت در سال ۹۵ به عبارت ۸ هزار و ۴۸۹ میلیارد دلار باید به حساب صندوق واریز میشد که از آن مبلغ ۷ هزار و ۳۱۲ میلیارد دلار به خزانه وار شده اما بقیه آن که یک هزار و ۱۷۷ میلیارد دلار است به حساب خزانه وارد نشده است.

آقای علی لاریجانی هم در مجلس پس از قرائت گزارش مزبور گفت: >بخش فراورده های نفتی که مبلغی از آن به خزانه واریز نشده است از سوی کمیسیون برنامه و بودجه باید رسیدگی شود.

(همان ماخذ مذاکرات مجلس)

## دستآورد

\*\*\* ملاحظات بالا بدین سبب به تحریر آمد تا نشان داده شود که روش دولت های جمهوری اسلامی بر واریز نکردن بخشی از درآمد دولت به خزانه کشور پیاده شده است.

آنچه که در گزارش بودجه سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ ملاحظه شد، عیناً همان روش واریز نکردن درآمد دولت به خزانه در گزارش بودجه سال ۹۷ نیز وجود دارد.

به اظهار نظر کارشناس ارشد بودجه و برنامه ریزی نگاه کنید:

> آقای مهدی پازوکی کارشناس بودجه ریزی گفته است: > اعداد و ارقام بودجه ۹۷ تفاوت چندانی با بودجه ۹۵ ندارد< او توضیح میدهد.

یعنی همان شیوه بخشی از درآمد دولت را به خزانه نریختن و عنوان آن هم >مبالغ واریز نشده< در گزارش بودجه سالهای گذشته وجود داشته عیناً در گزارش بودجه سال ۹۷ هم وجود دارد.

**این حسابسازی ها با چه هدفی است؟**

ارقام بزرگ این حسابسازی ها درجهاتی مصرف میشود که جمهوری اسلامی نمیخواهد آنرا در بودجه منظور سازد؛ سه مورد آن در زیر نشان داده شده است.

**کمک به حزب الله**

**دپیلمات ها، کمک جمهوری اسلامی رابه حزب الله لبنان ۳۵۰ میلیون دلار برآورد کرده اند ولی اخیرا وزیردفاع اسرائیل رقم آنرا ۸۰۰ میلیون دلار سالیانه دانست.**

**کمک به سوریه**

**نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه خبر داد که جمهوری اسلامی سالیانه ۶ میلیارد دلار به کشور سوریه و دولت بشار اسد کمک میکند - به نوشته بلومبرگ در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ بین ۱۴ تا ۱۵ میلیارد جمهوری اسلامی به سوریه کمک کرده است.**

**کمک به حماس**

**رادیو فردا بنقل از یکی لیکس کمک جمهوری اسلامی به حماس را ماهیانه ۲۵ میلیون دلار برآورد کرده است.**

**نکته دوم - پرداخت خسارات سپرده گذاران در بانکها**

نکته دوم طرح وجوه سپرده گذاران در بانکها و موسسات اعتباری است که به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

ماجرا را همگان میدانند؛ که کثیری از مردم به اعتبار تبلیغ بهره بسیار بالا وجوه نقدی خود را به بانکهای خصوصی و موسسات اعتباری سپرده اند و اکنون آن بانکها خود را قادر به استرداد سپرده مردم نمیدانند و سپرده گذاران هم به اقداماتی از قبیل تظاهرات و تحصن مبادرت میکنند.

بانک مرکزی بواسطه فشار دولت راضی شده است که طلب سپرده گذاران را بدهد.

موضوع این تحریر درباره این اقدام بسیار خطرناک و خلاف قانون و عرف و سنت است و اجرای آن سبب ازدیاد جرائم سازمان یافته خواهد شد، و عمل بانک مرکزی بصورت یک بدعت در خواهد آمد که هرکس مال کسی را خورد و برد بانک مرکزی وارد ماجرا میشود و پول زیان دیده را میپردازد و قضیه تمام میگردد.

**و اما بعد**

بانک ملی و یا بانک مرکزی از پول کی و به چه دلیل و چه قانونی پول زیان دیدگان را از پول ملت میپردازد؟ پول دولت و یا بانکها مال مردم است.

**آیا بسیار کسانی که پولشان را دیگران خورده اند بانک مرکزی خسارات آنها را جبران کرده است؟ هرگز روابط مالی افراد تابع قانون مدنی است نه دخالت دولت و بانکها.**

گفته شده بانک ها و موسسات اعتباری از بانک مرکزی مجوز داشته اند؛ آری مجوز داشته اند ولی مجوز کلاهبرداری و جرم سازمان یافته نداشته اند؛ این ادعای باطل همانند آن است که کسی جواز واردات داشته باشد و بعد مواد مخدر وارد کند و بگوید دولت بمن جواز داده بود.

**بانک مرکزی اقدامات و بدهی های بانکهای خصوصی و یا موسسات اعتباری را تضمین نکرده است تا معلوم شود که نوع تضمین انتقال ذمه به ذمه است و یا ضم ذمه به ذمه تا موقعیت بانک مرکزی مشخص شود.**

### **کلاهبرداری سازمان یافته**

بانکها و موسسات اعتباری شریک در ماجرا بیک کلاهبرداری سازمان یافته عظیم و بیسابقه ای مبادرت کرده اند؛ و دست اندرکاران آن با نفوذ و قدرت اداری و سیاسی مجموعه این جرم سازمان یافته را حمایت و مدیریت میکنند.

**پول و سپرده مردم گندم نیست که گفته شود موش خورد و برد پول هر جا باشد وزیر کلید هر کسی باشد خودش را نشان میدهد <رد پول و رد خون گمشدن ندارد>.**

این قابل قبول نیست که بانکی بگوید پول مردم را ندارم، بانک نه تجارت میکند که مدعی ضرر شود و نه آتش گرفته است که ادعای بی پولی کند. ادعای نداشتن پول سپرده گذاران فصل اول کلاهبرداری است و فصل دوم آن که تظاهرات مردم است، همه سازمان یافته و بوسیله دلال های خود بانکها صورت میگیرد و مماشیات دولت هم با تظاهرکنندگان فصل دیگری از همان جرم سازمان یافته است که دولت و بانک مرکزی به اعتبار تظاهرات مال باختگان، مستند پرداخت طلب طلبکاران را از مال مردم فراهم کنند.

**کسی بدرستی نمیداند که تعداد سپرده گذاران چند نفر و کل مبلغ سپرده آنها چه میزان است و از همه مهمتر هیچ حسابرسی دقیقی نشده است که پول سپرده گذاران به چه طریق از بین رفته است.**

معمولاً به این طریق است که وامهانی به افراد خودی میدهند بدون کسب وثیقه های کافی و بعد آن اشخاص که معمولاً افراد شناخته شده بانفوذی هم هستند از پرداخت وام استنکاف میکنند و یا مدعی ضرر میشوند در حالیکه این برنامه یک جرم سازمان یافته با قصد قبلی از همان زمان تاسیس بانک و یا موسسه اعتباری است.

این عمل با اینکه سیل و یا زلزله ای بیاید و مردم آسیب ببینند و دولت لایحه کمک به آسیب دیدگان را به مجلس بدهد تفاوت دارد؛ در جرم سازمان یافته قصد ارتکاب جرم وجود دارد و باید خسارت مال باختگان از طریق مجازات مسئولین بانک و شرکا و کسانی که در جرم سازمان یافته مشارکت علنی و یا مخفی داشته اند وصول شود. نه از مال مردم دیگر؛ خسارات آنها داده شود و حضرات رباینده پول مردم به ریش جامعه بخندند.

**راهکار**

۱- دادستان باید سرعت وارد عمل میشد و تمام مدیران و شرکای دست اول و معامله کنندگان با بانکهای مزبورا موقتا ممنوع المعامله میساخت (فصل ورشکسته به تقصیر و تقلب)

۲- با رسیدگی دقیق کارشناسی پرونده متهمین رابه دادگاه ارسال و دادگاه مجرمین به جرم کلاهبرداری سازمان یافته را به زندان و استرداد مال ربوده شده محکوم میکرد و دادگستری با فروش اموال مرتکبین آن جرم سازمان یافته، هراندازه که ازطلب سپرده گذاران ممکن میشد تامین مینمود و نسبت به بقیه از ممر کمک به آسیب دیدگان که در بودجه فصل خاصی دارد تامین میکرد.

۳- حکم مجازات و زندانی کردن متهمین جرم سازمان یافته و محرومیت آنها از حقوق اجتماعی از این جهت لازم و ضروری است که عمل مزبور بدعتی نشود که متهمین این قبیل کلاهبرداری ها مصون از تعرض قانون هستند.



اشکال در این است که همه این بانک ها و حسابسازی ها خود سران رژیم هستند. چاقو که دسته اش را نمی برد. خامنه ای، مجتبی خامنه ای، لاریجانی، شاهرودی همه و همه دست در دست هم دارند. ح-ک